

# بررسی تاثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی، در افراد مراجعه کننده به مرکز عرفان کمال در شهر تهران

آرزو پدram نیا<sup>۱</sup>، محمدعلی طاهری<sup>۲</sup>، منیر حداد<sup>۳\*</sup>

## خلاصه

فرادرمانی و سایمنتولوژی دو طب مکمل ایرانی هستند که کاربرد میدان‌های شعوری طاهری (TCFs) که توسط محمد علی طاهری شناسایی و معرفی شده است را در درمان اختلالات ابعاد وجودی انسان بررسی می‌کنند. در این روش از طریق ارتباط بین هوش جزء و هوش کل (هوشمندی کیهانی) اسکن در زیر مجموعه اجزای وجودی انسان صورت گرفته و ترمیم و اصلاح و بهبود انجام می‌پذیرد. این پژوهش با هدف بررسی تاثیر آموزش روش فرادرمانی و سایمنتولوژی و میدان‌های شعوری (ط) مرتبط با آنها بر ویژگی‌های شخصیت در مراجعه‌کنندگان به مرکز آموزش عرفان کمال در شهر تهران انجام شد. روش تحقیق شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون بود و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین ۱۰۰ مراجعه‌کننده استفاده و تعداد ۳۵ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و در گروه آزمایش قرار گرفتند. دوره‌ها ۵۶ جلسه، دو بار در هفته و هر جلسه به مدت ۱۲۰ دقیقه به همراه آموزش تئوری و عملی میدان‌های شعوری بودند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ارزیابی شخصیت کلونینگر (TCI)، استفاده شد و اطلاعات پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل واریانس (ANOVA) و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که به جز خرده مقیاس وابستگی به پاداش و پشتکار، آموزش فرادرمانی و روانشناسی بر ویژگی‌های شخصیتی شرکت کنندگان تاثیر معناداری دارد. در ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی مراجعه‌کنندگان پس از پایان دوره این زیر مقیاس‌ها دچار افزایش شدند: خودراهبری (self-directedness) ۴۶٪، همکاری (coopration) ۴۸٪، تعالی‌جویی (self-transcendence) ۵۴٪ این زیر مقیاس‌ها کاهش یافتند: اجتناب از آسیب (harm-avoidance) ۴۸٪، نوجویی (novelty-seeking) ۱۱٪. در مبحث فرادرمانی و سایمنتولوژی که تمرکز اصلی بر اصلاح بینش انسان و درک فلسفه خلقت می‌باشد پیش‌بینی می‌شود که پس از آموزش‌های دوره، بینش افراد در این مقوله‌ها اصلاح شوند که نتایج آماری نیز آن را تایید نمودند.

۱. کارشناس ارشد مشاوره و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد کرمان، ایران.

۲. بخش تحقیق و توسعه Sciencefact، مرکز تحقیقات Cosmointel Ltd.، انتاریو، کانادا.

۳. متخصص روانپزشکی بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر.

\* نویسنده مسئول:

متخصص روانپزشکی بیمارستان آموزشی-درمانی فیروزگر.

پست الکترونیکی: hadad.m@iums.ac.ir

کلیدواژه‌ها: فرادرمانی، سایمنتولوژی، میدان‌های شعوری (ط)، ویژگی‌های شخصیت کلونینگر، طب مکمل، شخصیت واقعی، شخصیت حقیقی

(T-Consciousness) به عنوان یک پدیده و یک واقعیت غیرقابل انکار استفاده می‌کند. اگرچه علم رایج، صرفاً مطالعه ماده و انرژی را مد نظر دارد و در مقابل، ساینس‌فکت اثرات میدان‌های شعوری (ط) (غیرمادی و غیرانرژیایی) را کاوش می‌کند؛ اما، ساینس‌فکت با انجام تحقیقات آزمایشگاهی تکرار پذیر در حوزه های مختلف علم، زمینه مشترکی را بین این دو پدیدار نموده و از این قابلیت به منظور اثبات «شعور(ط)» و «میدان‌های شعوری(ط)» ناشی از آن، استفاده کرده است. این زمینه‌ها را نمی‌توان به طور مستقیم توسط علم اندازه گیری کرد، اما می‌توان اثرات آنها را بر موضوعات مختلف از طریق آزمایش‌های آزمایشگاهی تکرارپذیر بررسی کرد (۲).

اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) با اتصال (Connection) بین شبکه شعور کیهانی به عنوان شعور کل و موضوع مورد مطالعه به عنوان جزء آغاز می‌شود.

تفاوت عمده بین تئوری میدان‌های شعوری (ط) با دیگر مفاهیم تئوری ارائه شده در رابطه با شعور، کاربرد و استفاده عملی از میدان‌های شعوری (ط) است. این میدان‌ها قابل اعمال بر همه موجودات زنده و غیر زنده از قبیل انسان‌ها، گیاهان، حیوانات، میکروارگانیسم‌ها، مواد و غیره هستند.

اتصال توسط ذهن فرادمانگر (فرد آموزش دیده‌ای که میدان‌های شعوری (ط) به او تفویض شده است) برقرار می‌گردد. ذهن انسان نقشی واسط (اعلام کننده) را دارد که با یک توجه کوتاه و آنی (نظر) به موضوع مورد مطالعه عمل کرده و دستاورد اصلی، در نتیجه اثرات میدان‌های شعوری (ط) حاصل می‌شود.

پایه ریزی تحقیقات اولیه «شعور (ط)» بر اساس سلسله مراتب فرض، حکم و برهان صورت گرفته که در آن:

**فرض اولیه: شکل گیری کیهان از جزء سومی متفاوت از ماده و انرژی به نام «شعور (ط)» است**

**حکم: وجود «شعور (ط)» (میدان‌های شعوری (ط)) می‌تواند توسط اثراتش بر روی ماده و انرژی (مانند انسان، حیوان، گیاه، میکروارگانیسم، سلولها، مواد و غیره) اثبات شود**

طب سنتی به طور کلی به وجود انسان با رویکردی کل‌نگر می‌نگرد و از محیط جغرافیایی، تمدن و سنت‌ها سرچشمه می‌گیرد. در مقابل، طب مدرن (آلپاتیک) ریشه در شمال اروپا، یونان و روم دارد. در کنار طب مدرن، بیش از صد رویکرد پزشکی برای درمان بیماران و پیشگیری از بیماری در افراد سالم علیرغم تفاوت در اصول، قوانین، تشخیص و روش‌های درمانی تلاش می‌کنند. این روش‌ها به عنوان طب مکمل یا جایگزین در سراسر جهان شناخته می‌شوند. هدف از این رویکرد ارتقاء سطح سلامت، کیفیت زندگی و امید به آن از طریق استفاده هوشمندانه از رویکردهای طبیعی و روشهای مختلف طب مکمل یا جایگزین با استناد به تحقیقات و تجربیات بالینی است (۱).

فردرمانی و سایمنتولوژی دو رشته از درمانهای طب مکمل ایرانی می‌باشند که از نوعی نگرش به نام فراکل نگری نشأت گرفته است و این نگرش انسان را به وسعت و عظمت جهان هستی می‌داند و اساس آن از طریق اتصال با هوشمندی کیهانی می‌باشد.

در قرن حاضر، Consciousness (آگاهی و هوشیاری) جایگاه آن در دنیای علم، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تئوری‌های فلسفی و علمی زیادی در این زمینه ارائه شده است. در دهه ۱۹۸۰، محمد علی طاهری، میدان‌های جدیدی با ماهیت غیرمادی و غیرانرژیایی معرفی کرده است که میدان‌های شعوری طاهری<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند. در این دیدگاه، شعور (ط) یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی به جز ماده و انرژی است.

محمدعلی طاهری، بنیانگذار عرفان کیهانی حلقه، مکتبی با بیش از ۴۰ سال قدمت و مؤسس مرکز تحقیقاتی کازمواینتل، علم جدیدی را در سال ۲۰۲۰ به عنوان شاخه‌ای از این مکتب معرفی کرد. او نام ساینس‌فکت را برای این علم جدید ابداع کرد، زیرا از تحقیقات علمی برای اثبات وجود هوشمندی



به روان و نه صرفاً مرتبط به اعصاب، اما مجموعه‌ای از این دو. هیلگارد (۴)، در تعریف خود از کلیت شخصیت فاصله گرفته و نوعی برگشت به قوای ذهنی را در تعریف خود نشان داده است و آن را چنین تعریف می‌نماید: شخصیت الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر است که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند. بر این اساس، یکی از اولین وظایف روانشناسی شخصیت، توصیف تفاوت‌های فردی، یعنی انواع و اقسام تفاوت‌های یک فرد با فرد دیگر است. کتل از مقوله محتوایی، در شخصیت خارج شده و جنبه کاربردی شخصیت را در تعریف خود عنوان می‌کند و آن را چنین تعریف می‌کند: «شخصیت چیزی است که به ما اجازه می‌دهد پیش بینی کنیم که شخص در یک موقعیت معین چه خواهد کرد، یعنی چه عملی از او ناشی خواهد شد» (۵).

در قرن بیستم، اصطلاح عصبی-شیمیایی نقشی دوگانه در نظریه پردازش رویکرد زیست شناختی به شخصیت دارد. علاوه بر این، دانشمندان به نقش فرآیندهای ژنتیکی، اثری و تکاملی در شکل‌گیری رفتارهای انسان توجه کرده‌اند.

کلونینگر (۶)، با پذیرش تعریف آلپورت از شخصیت، اعتقاد دارد شخصیت به دلیل تعامل بین عوامل ارثی و محیطی شکل می‌گیرد. بر خلاف باور عمومی، عوامل محیطی مشترک بر روی خواهر و برادرهایی که با هم بزرگ شده‌اند تأثیر کمی بر روی ویژگی‌های سرشتی پایه دارد یا اصلاً تأثیری ندارد. با این حال، بر سایر ابعاد شخصیتی تأثیر می‌گذارد.

کلونینگر (۷) از نظر ساختاری، شخصیت را شامل سه جنبه سرشت، منش و روان (قسمت هوشند و خلاق وجود) می‌داند. عامل سرشت اساس زیستی شخصیت، و منش جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن را دربردارد و روان (قسمت هوشمند و خلاق وجود) ویژگی‌های سرشتی و اجتماعی را بارور ساخته و کارکرد کلی و پایه‌ای شخصیت را تعدیل می‌کند (عملکردهای پایه‌ای شخصیت شامل احساس، تفکر و ادراک و پیوند دادن آنها در رفتارهای هدفمند است). کلونینگر ابتدا در سال ۱۹۸۷ نظریه سه عاملی خود را که فقط عامل اصلی سرشت را در برداشت، مطرح ساخت. در این نظریه برای عامل سرشت سه بعد را در نظر می‌گیرد. این ابعاد شامل: نوجویی، آسیب‌گریزی

**برهان: تایید علمی اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی (مطابق حکم تعیین شده) است که از طریق انجام آزمایش‌های علمی تکرار پذیر مختلف انجام می‌شود.**

بر این اساس، با هدف اثبات وجود، اثربخشی و مکانیسم میدان‌های شعوری (ط) و تحلیل‌های آن، فازهای تحقیقاتی صرفاً چهار و اهداف هر کدام در این راستا به شرح زیر تعریف می‌گردد:

**هدف تحقیقات در فاز صفر: اثبات وجود میدان‌های شعوری (ط) با مشاهده اثرات آنها است. در این فاز به ماهیت و چیستی شعور (ط) پرداخته خواهد شد.**

**فاز اول:** به بررسی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) ناشی از «شعور (ط)» می‌پردازد.

**فاز دوم:** چرایی تنوع اثرگذاری میدان‌های شعوری (ط) را بررسی می‌کند.

**فاز سوم:** بررسی مکانیسم اثرات میدان‌های شعوری (ط) بر ماده و انرژی را به عهده دارد.

**نهایتاً، فاز چهارم:** نتیجه‌گیری‌های کلان به ویژه در ارتباط با ذهن و حافظه ماده و ارتباط آن با «شعور (ط)» و غیره را خواهد گرفت.

## شخصیت و کاراکتر از دیدگاه روانشناسی

شخصیت را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع علم روان‌شناسی دانست، زیرا محور اساسی بحث در زمینه‌هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، عواطف و احساسات، هوش و مواردی از این قبیل است. گوردون آلپورت (۳) از محققین بزرگ در زمینه شخصیت، سازمان یابی نظامات بدنی و روانی به عنوان ویژگی‌های رفتاری فکری در فرد را شخصیت نامید. به این طریق او شخصیت را یک سیستم ساختار یافته معرفی می‌کند و آنرا سیستم سایکو فیزیکی می‌داند نه صرفاً مرتبط

و پاداش خواهی بود. این ابعاد به ترتیب با فعالیت سیستم‌های مغزی و انتقال‌دهنده‌های عصبی ارتباط دارند. کلونینگر در سال ۱۹۹۳ به همراه سوراکیک نظریه هفت عاملی را از شخصیت مطرح ساخت. در نظریه هفت عاملی کلونینگر عامل سرشت به ۴ بعد و عامل منش به ۳ بعد تقسیم می‌شوند. این هفت عامل نیز به‌طور کلی به ۳۱ خصوصیت شخصیتی تقسیم می‌شوند. نظریه هفت عاملی کلونینگر بر اساس تحقیقات دهه اخیر یکی از نظریه‌های معتبر در زمینه شخصیت محسوب می‌شود به طوری که در کتاب جامع روانپزشکی در اختلالات شخصیت این دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است (۸).

سه نوع سرشت فراگیر را از همان ابتدای تولد می‌توان شناسایی و ارزیابی کرد که می‌تواند در سرتاسر زندگی نسبتاً ثابت بماند. این ۳ دسته شامل اجتماع‌پذیری، هیجان‌پذیری و سطح فعالیت می‌باشند به این سه ویژگی عمده، صفات سرشتی نیز گفته می‌شود. شاید بتوان گفت سرشت در واقع نقش قالبی را ایفا می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی را شکل خواهد داد. سرشت جنبه ارثی شخصیت انسان است و نشان‌دهنده نحوه پاسخ اتوماتیک ناخودآگاه و نسبی فرد به خطر، محرک جدید و انواع مختلف پاداش می‌باشد و در واقع با ۴ احساس اولیه انسانی مرتبط است: ۱- ترس ۲- عصبانیت ۳- دلبستگی ۴- جاه طلبی (۷).

در صورتی که این هیجان‌ها به مقدار زیادی تحریک گردند می‌توانند بر شخصیت غلبه کرده و بر روی نحوه درک، یادگیری و رفتار تاثیر بگذارند. صفات سرشتی آسیب‌گریزی، نوجویی، پاداش‌خواهی و پشتکار زیرنام تفاوت‌های ارثی شالوده ساز پاسخ غیرارادی فرد به ترتیب در برابر خطر، تازگی و انواع گوناگون پاداش، تعریف می‌شوند. این چهار صفت سرشتی پیوند نزدیکی با چهار هیجان اصلی ترس (Harmavoidance)، خشم (Noveltyseeking)، دلبستگی (Reward dependence) و تسلط (Persistence) دارند.

از دیدگاه کلونینگر (۷)، منش در واقع همان ذهن و برداشت فرد از مفهوم خود است و اهداف و ارزش‌های فردی را نشان می‌دهد. منش برخلاف سرشت ارادی و منطقی است. منش هسته اصلی شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد. در صورتی که

ابعاد کارکتر یا منش رشد خوبی داشته باشند و انعطاف‌پذیر باشند شخصیت رشد یافته ایجاد می‌شود و در صورتی که به خوبی رشد نکرده و غیر انعطاف‌پذیر باشند انحراف در شخصیت بروز می‌کند، در کودکی ابتدا تعالی جویی، بعد همکاری و سپس خودراهبری رشد پیدا می‌کند. منش شامل ۳ جزء می‌باشد که آن را می‌توان به دولت ذهنی تشبیه کرد:

**- خودگردانی یا خودراهبری معادل قوه مجریه است که سازماندهی رفتاری را بر عهده دارد.**

**- همکاری یا مشارکت که معادل قوه مقننه است و روابط فرد را تعیین می‌کند.**

**- تعالی بخشی خود یا تعالی جویی که معادل قوه قضائیه است و مفهوم "خود" را به عنوان جزئی از جهان هستی نشان می‌دهد**

## سایمنتولوژی

از دیدگاه سایمنتولوژی هر جزئی از اکوسیستم کیهانی دارای شخصیت منحصر به خود می‌باشد. این شخصیت دو جنبه دارد، شخصیت واقعی و شخصیت حقیقی (۹). شخصیت واقعی، نحوه بروز و تظاهر رفتار هر جزء در اکوسیستم می‌باشد که در مورد انسان هم مصداق دارد. دیگری شخصیت حقیقی است که برنامه نرم‌افزاری بروز رفتار است. رفتار انسان شامل کلیه ادراکات ذهنی، عواطف روانی و رفتارهای فیزیکی می‌باشد که شخصیت واقعی انسان را تشکیل می‌دهد.

شخصیت حقیقی انسان مجموعه شخصیت اولیه (یا من برنامه‌ریزی شده) و شخصیت ثانویه (یا من برنامه پذیر) است. شخصیت اولیه شخصیتی است که فرد با آن متولد می‌شود و منش انسان را تشکیل می‌دهد. شخصیت ثانویه شخصیتی است که طی زندگی و از طریق آموزش کسب می‌شود و بینش انسان را شکل می‌دهد. شخصیت اولیه و ثانویه که ساختاری نرم‌افزاری دارند خود از اجزا و نرم‌افزارهای متعدد دیگری تشکیل شده‌اند. به عنوان مثال



قرار داد. این دسترسی برای همه بدون هیچ هزینه‌ای در دسترس است. به منظور مطالعه و تجربه این اتصال، محققان می‌توانند در هر زمان در وب سایت ثبت نام کنند و آزمایش را به مرکز تحقیقات COSMOintel گزارش دهند. جزئیات خاصی از آزمایش باید به مرکز ارائه شود. مثلاً مشخصات یا تعداد و نام نمونه‌ها و کنترل‌ها باید مشخص شود.

## شرکت‌کننده‌ها

از بین ۱۰۰ نفر افراد شرکت‌کننده برای آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی ۳۵ نفر بطور رندوم انتخاب شدند.

## روش اندازه‌گیری

**پرسشنامه شخصیتی سرشت و منش کلونینگر: (۱۹۹۳) (TCI)**  
TCI بر اساس الگویی همگانی که شخصیت بهنجار و نابهنجار را در بر می‌گیرد، ساخته شده است. این پرسشنامه برای سنجش خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ساخته شده است که یا از طریق وراثت (سرشت) یا از طریق محیط (منش) در فرد وجود دارد. کلونینگر مدل عصبی - زیستی خود را برای توضیح مؤلفه‌های سرشت ارائه کرده است. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی ۲۴۰ عبارتی است که هفت عامل را اندازه‌گیری می‌کند که عبارتند از: چهار مقیاس سرشت (نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش - وابستگی، پشتکار) و سه مقیاس منش (خود - راهبری، همکاری، تعالی جویی)

کاوایانی همبستگی درونی مقیاس‌ها را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در نمونه، شامل ۱۲۱۲ نفر را برای نوجویی ۰/۷۲، آسیب‌پرهیزی ۰/۸، وابستگی به پاداش ۰/۷۳، پشتکار ۰/۵۵، همکاری ۰/۷۷، خودراهبری ۰/۸۴ و تعالی‌جویی ۰/۷۲ بدست آورد. ضریب روایی (n=۱۰۰) عبارت است از: نوجویی ۰/۷۵، آسیب‌پرهیزی ۰/۷۲، پاداش و وابستگی ۰/۸۷، پشتکار ۰/۹۰،

شخصیت اولیه شامل فطرت، روح، نهاد، بنیاد، ژن، نرم افزار ذهن جمعی، نرم افزار حافظه جمعی، نرم افزار اشتراکی مادر و جنین، بوده و شخصیت ثانویه نیز شامل نرم افزار بینش، نرم افزار وجدان، گیرنده‌های ذهنی و فزادهنی (شهودی)، نرم افزارهای متعدد مرتبط با تفکر، تخیل، تجسم، تداعی و... می‌باشند. شخصیت اولیه و قسمت‌هایی از شخصیت ثانویه تشکیل‌دهنده بخش ناخودآگاهی وجود می‌باشند. بینشها نیز بخش نیمه خودآگاهی را تشکیل می‌دهند.

برخلاف سایر اجزای اکوسیستم در مورد انسان، رفتار و شخصیت حقیقی ممکن است یکسان نباشند. از این منظر، شخصیت بهنجار شخصیتی است که رفتارش با اکوسیستم همخوانی داشته باشد و در آن فرد به جایگاه خود پی برده باشد.

نسبت شخصیت واقعی به شخصیت حقیقی در هر فرد شخصیت ارزشی نامیده می‌شود که میزان هنجار بودن شخصیت فرد را نشان می‌دهد.

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی اندازه‌گیری شده توسط پرسشنامه سرشت و منش کلونینگر (TCI) انجام شد. فرضیه بر این بود که آموزش به‌طور معناداری بر نمرات شرکت‌کنندگان در زیرمقیاس‌های آسیب‌پرهیزی، نوجویی، وابستگی به پاداش، پشتکار، تعالی‌جویی، همکاری و خودراهبری تأثیر می‌گذارد.

## روش اجرای تحقیق

### کاربرد میدان‌های شعوری (ط)

میدان‌های شعوری (ط) (TCFs) بر اساس پروتکل‌های تنظیم شده توسط مرکز تحقیقات COSMOintel ([www.COSMOintel.com](http://www.COSMOintel.com)) بر روی نمونه‌ها اعمال شد. درخواست اتصال به شبکه شعور کیهانی (CCN) برای استفاده از میدان‌های شعوری (ط) را می‌توان از طریق وب سایت COSMOintel در بخش «تخصیص اعلامیه»

همکاری ۰/۷۶، خودراهبری ۰/۶۶ و تعالی‌جویی ۰/۸۶ را مشخص نمود (۱۰).

## روش اجرا

در ابتدا پژوهشگران به صورت حضوری به مرکز عرفان کمال تهران مراجعه نمودند و نمونه‌گیری تصادفی انجام دادند. توضیحاتی در مورد تحقیقات، اقدامات و آموزش به افراد ارائه شد. سپس پرسشنامه کلونینگر قبل و بعد از دوره آموزشی تکمیل شد. دوره‌ها دو بار در هفته به مدت ۵۶ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای برگزار شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

احساسات و ادراک خود در گروه گزارش دادند. انواع مختلفی از اتصال به میدان‌های شعوری (ط) اجرا شد که هر کدام اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند و به محتوای موضوعات خاص مربوط به هر جلسه مرتبط بودند. نتایج اتصالات به CCN، فعال‌سازی و اصلاح بسیاری از نرم‌افزارهایی است که انسان‌ها در اختیار دارند. با فعال‌سازی نرم‌افزار وجودی، دسترسی به اهداف از پیش تعیین‌شده هر کلاس تسهیل شد. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه در زمان‌های مشخصی از روز یا شب، هر روز در منزل به شبکه شعور کیهانی (CCN) متصل شدند.

## روش تجزیه و تحلیل آماری

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از میانگین و انحراف استاندارد برای توصیف داده‌ها و برای آزمون فرضیه‌ها از روش تحلیل واریانس (ANOVA) برای اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شده است.

## شرح مختصری از جلسات آموزشی

هر جلسه به دو بخش تئوری و عملی تقسیم می‌شد. علاوه بر موضوعات نظری، جلسات عملی شامل ارتباط (اتصال) با شبکه شعور کیهانی (CCN) بود که در طول جلسات اجرا شد. یعنی در ابتدا، وسط و پایان هر جلسه، از شرکت‌کنندگان خواسته شد چشمانشان به مدت ۱۰ تا ۱۲ دقیقه ببندند و اتصال با CCN را تجربه کنند. همچنین از شرکت‌کنندگان خواسته شد که در طول ارتباط، ناظر بی‌طرف بدن و ذهن خود باشند. سپس از

## نتایج

۱- فرضیه اول: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بروی‌گی‌های شخصیتی آسیب‌گریزی کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۱: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۱	۳۱/۷۳	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۱: تحلیل واریانس متغیر آسیب‌گریزی کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۹۶۷۶/۱۲	۱	۹۶۷۶/۱۲	۳۱/۷۳	۰/۰۰۰	۰/۴۸
خطا	۱۰۳۶۸/۳۷	۳۴	۳۰۴/۹۵			

همبسته یک راهه نشان می‌دهد که این تفاوت نمرات معنادار می‌باشد.

فرضیه تایید می‌شود. میانگین نمرات زیر مقیاس آسیب در پس‌آزمون کلونینگر کاهش داشته است و تحلیل واریانس



آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی کاهش نمرات آسیب کلونینگر تاثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۸ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین

می‌کند.

## ۲- فرضیه دوم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی نوجویی کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱۰۲: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۸۸	۴/۲۴	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۴۷	۰/۱۱

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۱۰۲: تحلیل واریانس متغیر نوجویی کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۳۲۱/۴۲	۱	۳۲۱/۴۲	۴/۲۴	۰/۰۴۷	۰/۱۱
خطا	۲۵۷۲/۵۷	۳۴	۷۵/۶۶			

فرضیه تایید می‌شود. میانگین نمرات زیر مقیاس نوجویی در پس‌آزمون کلونینگر کاهش داشته است و تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که این تفاوت نمرات معنادار می‌باشد.

روی کاهش نمرات نوجویی کلونینگر تاثیر می‌گذارد و این آموزش ۱۱ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

## ۳- فرضیه سوم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی پاداش کلونینگر تاثیر دارد

آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۶/۹۹ درصد اطمینان

جدول ۱۰۳: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۹۲	۲/۸۱۱	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۱۰۳	۰/۰۷

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲۰۳: تحلیل واریانس متغیر پاداش کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۲۴۵/۱۵	۱	۲۴۵/۱۵	۲/۸۱	۰/۱۰۳	۰/۰۷
خطا	۲۹۶۵/۳۴	۳۴	۸۷/۲۱			

فرضیه تایید نمی‌شود. تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که آموزش تأثیری بر افزایش نمرات زیر مقیاس پاداش کلونینگر نداشته است.

## ۴- فرضیه چهارم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی پشتکار کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱۰۴: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۸۹	۳/۸۷	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۵	۰/۱۰

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲۰۴: تحلیل واریانس متغیر پشتکار کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۷۱۶/۸۰	۱	۷۱۶/۸۰	۳/۸۷	۰/۰۵۷	۰/۱۰
خطا	۶۲۹۴/۲۰	۳۴	۱۸۵/۱۲			

فرضیه تایید نمی‌شود. میانگین نمرات زیر مقیاس پشتکار در پس‌آزمون کلونینگر کاهش داشته است و تحلیل واریانس

همبسته یک راهه نشان می‌دهد که این تفاوت نمرات معنادار نمی‌باشد.

## ۵- فرضیه پنجم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های

آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر زیر مقیاس تعالی

جویی تأثیر دارد.

شخصیتی تعالی جویی کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۵: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۴۶	۳۹/۹۵	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۴

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۵: تحلیل واریانس متغیر تعالی جویی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۸۸۴۸/۱۲	۱	۸۸۴۸/۱۲	۳۹/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۵۴
خطا	۷۵۲۹/۳۷	۳۴	۲۲۱/۴۵			

تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس تعالی جویی کلونینگر معنادار بوده و فرضیه تایید می‌شود. آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات

تعالی جویی تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۵۴ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند.

۶- فرضیه ششم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی همکاری کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۶: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۱	۳۱/۵۸	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۶: تحلیل واریانس متغیر همکاری کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۴۲۲۸/۶۲	۱	۱۴۲۲۸/۶۲	۳۱/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۴۸
خطا	۱۵۳۷۸/۳۷	۳۴	۴۵۲/۳۰			

تحلیل واریانس همبسته یک راهه نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس همکاری کلونینگر معنادار بوده است و فرضیه تایید می‌شود. آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان

روی افزایش نمرات همکاری کلونینگر تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۸ درصد تغییرات در نمرات پس آزمون را تعیین می‌کند.

۷- فرضیه هفتم: آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی بر ویژگی‌های شخصیتی خودراهبری کلونینگر تاثیر دارد

جدول ۱-۷: آزمون لامبدای ویلکز

اثر	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معداری	ضریب اتا
لامبدای ویلکز	۰/۵۳	۲۹/۷۹	۱/۰۰	۳۴/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶

نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان می‌دهد تفاوت میانگین در پیش آزمون و پس آزمون معنادار می‌باشد.

جدول ۲-۷: تحلیل واریانس متغیر خود راهبری کلونینگر

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	ضریب اتا
بین گروهی	۱۳۶۶۴/۰۵	۱	۱۳۶۶۴/۰۵	۲۹/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶
خطا	۱۵۵۹۳/۹۴	۳۴	۴۵۸/۶۴			

شناختی رفتاری، برای درمان اختلال شخصیت، طرحواره درمانی است که اساس آن تغییر طرحواره‌های ناسازگار دوران کودکی است و پژوهش‌های بسیاری از تأثیر این درمان در بهبود اختلالات شخصیت حمایت کرده‌اند (۱۱)، (۱۲)، (۱۳). درمان دارویی نیز تا حدی می‌تواند در بهبود مشکلات شخصیتی تأثیرگذار باشد. برخی یافته‌های پژوهشی نشان دادند که درمان دارویی باعث کاهش تشخیص اختلال‌ها و صفات شخصیتی می‌شود (۱۴). ولی اثر سایکوتراپی و دارو درمانی یا کامل نبوده و یا زمان بسیار طولانی لازم دارند و یا با قطع درمان علائم برمی‌گردند (۸).

کلونینگر (۱۵)، تنها روش موثر و دائمی در اصلاح مشکلات شخصیتی را اصلاح روان (قسمت هوشمند و خلاق وجود) Psyche می‌داند که از طریق خودآگاهی شهودی به دست می‌آید، او اعتقاد دارد با افزایش خود آگاهی شهودی می‌توان Character یا منش را اصلاح نمود. از دیدگاه کلونینگر روان (قسمت هوشمند و خلاق وجود) Psyche دارای ۵ سطح است:

#### ۱- قابلیت درک وجود خود

#### ۲- قابلیت درک آزاد بودن و داشتن اختیار

#### ۳- قابلیت درک زیباییها

#### ۴- قابلیت درک حقیقت

#### ۵- قابلیت درک خوب بودن و یکپارچگی با جهان هستی

در آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی علاوه بر خودشناسی و آگاهی نسبت به ویژگیها و مشکلات شخصیتی، ارتباطات برقرار شده با شبکه شعور کیهانی و خودآگاهی شهودی کسب شده باعث اصلاح مشکلات شخصیتی می‌گردد. آمارهای این تحقیق از طریق ارتقاء ویژگیهای شخصیتی، سرشتی و منشی اثبات کننده این مسئله هستند.

آنچه کلونینگر به عنوان روان معرفی می‌کند در سایمنتولوژی قسمتی از نرم‌افزار من برنامه‌ریزی شده به نام فطرت می‌باشد که در وجود همه انسان‌ها بطور بالقوه قرار دارد و باید به فعلیت برسد. با آموزش فرادرمانی و سایمنتولوژی رشد و ارتقاء در هر ۵ سطح روان اتفاق می‌افتد و زمینه‌های فعال شدن نرم‌افزار فطرت فراهم می‌شود، افراد به درک نقش خود در جهان هستی می‌رسند و آفرینش انسان را هدفمند و از روی برنامه می‌بینند، بنابراین مشکلات هویتی و احساس پوچی اصلاح می‌گردد، در

تحلیل واریانس همبسته یک راه‌نشان می‌دهد که تأثیر آموزش بر افزایش نمرات زیر مقیاس خود راهبری کلونینگر معنادار بوده است و فرضیه تایید می‌شود.

آموزش فرادرمانی-سایمنتولوژی با ۹۹/۹۹ درصد اطمینان روی افزایش نمرات خود راهبری کلونینگر تأثیر می‌گذارد و این آموزش ۴۶ درصد تغییرات در نمرات پس‌آزمون را تعیین می‌کند.

**بطور خلاصه:** در سنجش شخصیت به جز وابستگی به پاداش، سایر خرده مقیاس‌های پرسشنامه TCI دارای تغییراتی بودند. پرهیز از آسیب، نوجویی، پایداری کاهش و تعالی خود، همکاری و خودراهبری افزایش یافته است.

## بحث و نتیجه گیری

طبق آمارهای این تحقیق اجتناب از آسیب ۴۸٪ در افراد کاهش یافته است که نشان دهنده کاهش سطح اضطراب، نگرانی و ترس‌ها در افراد پس از گذراندن دوره‌هاست (فرادرمانی و سایمنتولوژی)، کاهش ۱۱٪ در نوجویی، نشان‌دهنده کاهش حس سرگشتگی و گمگشتگی افراد در رسیدن به یک هدف متعالی است. وابستگی به پاداش که مطرح‌کننده نیاز به تأیید دیگران است تغییر معناداری نداشته که البته انتظار می‌رود در دراز مدت تعدیل یافته و کاهش یابد.

آمارها نشان دادند خودراهبری ۴۶٪ همکاری ۴۸٪ و تعالی‌جویی ۵۴٪ رشد داشته‌اند، این ارقام در بهبود منش (Character) بسیار ارزنده هستند و نشان می‌دهند که افراد با گذراندن این دوره‌ها (فرادرمانی و سایمنتولوژی) و بهره‌مندی از ارتباطات (ارتباط با شبکه هوشمندی (ط)) هم توانمندی‌های فردیشان رشد کرده، هم حس همکاری و نوعدوستی و هم تمایل به رشد و تعالی وجودی.

شخصیت، با تعامل عوامل وراثتی و محیطی شکل می‌گیرد. در روان‌شناسی از طریق شناخت درمانی یا روان‌کاوی می‌توان روی باورها و دفاع‌های روانی کار کرد و به تدریج دفاع‌های ناکارآمد را تا حدی اصلاح نمود. یکی از انواع جدید روان‌درمانی

امر ارائه می‌دهد و با آموزه‌های نوین خود و ارتباط با شبکه هوشمندی کیهانی این راه را برای همه هموار کرده است.

### تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله مراتب قدردانی خود را از دانشگاه آزاد کرمان که این پایان نامه در آنجا به ثبت رسیده است را اعلام می‌کنند. همچنین از مرکز آموزشی عرفان کمال تهران که در اجرای این طرح ما را همراهی کردند سپاسگزاریم. ما مراتب قدردانی خود را از خانم مهرناز منزوی بابت همفکری و همراهیشان اعلام می‌داریم.

### تضاد منافع

از دید نویسندگان هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

این مسیر؛ آزاد آفریده شدن انسان و داشتن قدرت اختیار و انتخاب به خوبی درک می‌شود، همچنین درک عالم عشق و زیبایی‌ها ممکن می‌گردد و کسانی که صرفاً برپایه عقل و منطق زندگی می‌کردند جلوه جدیدی از هستی را تجربه می‌کنند. درک حقیقت موجود در پس ظاهر واقعیت، از دیگر اهداف فرادرمانی و سایمنتولوژی است و فرادرمانگران و مراجعین با روی دیگر واقعیات آشنا می‌شوند. هدف غائی در این روش رسیدن به درک وحدت با جهان هستی و یکپارچگی با آن است که در بالاترین سطح (Psyche) روان، از دیدگاه کلونینگر می‌باشد. از دید او افراد بسیار نادری قابلیت رسیدن به درک مرحله پنجم را دارند.

در سایمنتولوژی، با اصلاح بینش و ارتباط با CCN، می‌توان شخصیت اولیه و ثانویه را اصلاح کرد که منجر به بهبود رفتار انسان یا شخصیت واقعی می‌شود (۱۶)، همان چیزی که کلونینگر از طریق اصلاح و ارتقاء روان (بخش هوشمند و خلاقانه وجود) در تصحیح شخصیت بیان می‌کند. اما سایمنتولوژی راه‌های عملی هم برای بهبود این

### منابع:

- 1-Easthope, G, Tranter B. (2000). Normal Medical Practice of referring patients for complementary medicine among Australian general practitioners. *Complement Therapy Medicine*. 8, 22-33
- 2-Taheri, M. A. (2013). *Human from another Outlook* (2nd Edition ). ISBN-13: 978-1939507006, ISBN- 10: 1939507006.
- 3-Alport, G. (1964). *Pattern and Growth in Personality*. New York: Holt, Rinehart Winston.
- 4-Hilgard, E. R. (1953). *Introduction to Psychology*. Harcourt, Brace.
- 5-Cattel, R.B. (1965). *The Scientific Analysis of Personality*. Penguin Books. <https://doi.org/10.4324/9781315134772>.
- 6-Cloninger, C. R, A. (1987). A Systematic Method for Clinical Description and Classification of Personality Variants: A Proposal | *JAMA Psychiatry*, 44(6):573-588
- 7-Cloninger, C. R.; Dragan M. Svrakic, & Przybeck, T. R. (1993). A psychobiologic model of temperament and character. *Arch Gen Psychiatry*. 50(12), 975-990. doi:10.1001/archpsyc.1993.01820240059008.
- 8-Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (Eds.). (2006). *Kaplan and Sadock's comprehensive text book of psychiatry*. Lippincott Williams & Wilkins.
- 9-Taheri, M. A. (2011). *Psymetology*. [Vol. 1]. Tehran: Erfan Keihani publishing company.
- 10-Kavyani, H., Haghshenas, H. (2001). A pilot study to adapt the Cloninger questionnaire. *Iranian Cognitive Science News Quarterly*. 2(3). JR\_ICSS-2-3\_003.
- 11-Giesen-Bloo, J., van Dyck, R., Spinhoven, P., van Tilburg, W., Dirksen, C., van Asselt, T., et al. (2006). Outpatient psychotherapy for borderline personality disorder: randomized trial of schema-focused therapy vs transference-focused psychotherapy. *Archives of General Psychiatry*, 63(6), 649e658.
- 12-Bamelis, L. L. M., Evers, S. M. A. A., Spinhoven, P., & Arntz, A. (2014). Results of a multicentered randomized controlled trial on the clinical effectiveness of schema therapy for personality disorders. *The American Journal of Psychiatry*. <https://doi.org/10.1176/appi.ajp.2013.12040518>
- 13-Farrell, J. M., Shaw, I. A., & Webber, M. A. (2009). A schema-focused approach to group psychotherapy for outpatients with borderline personality disorder: a randomized controlled trial. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 40(2), -328.
- 14-Ricciardi, J. N., Baer, L., Jenike, M. A., Fischer, S. C., Sholtz, D., & Buttolph, M. L. (1992). Changes in DSM-III-R Axis II diagnoses following treatment of obsessive-compulsive disorder. *The American Journal of Psychiatry*, 149(6), 829-831. <https://doi.org/10.1176/ajp.149.6.829>.
- 15-Cloninger, C. R. (2004). *Feeling Good: The Science of Well-Being*. Oxford university press.
- 16-Taheri, M. A. (2011). *Human Insight*. Tehran: Tohfeh press.

